

## واکاوی عوامل مانایی واژگان دخیل عربی در گویش کردی کرمانجی

(مطالعه موردی: کردهای ارومیه و شمال آذربایجان غربی)

حسن اسماعیل زاده (نویسنده مسؤول)<sup>۱</sup>؛ گلستان طیب زاده<sup>۲</sup>

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲۵ دی ۱۴۰۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۹ شهریور ۱۴۰۱؛ صص. ۱۵۹-۱۷۴

DOI: <https://www.doi.org/10.34785/J013.2022.009>

### چکیده

### کورتیه

گوژان و گوران له زماندا وه کوو دیاردیه کی کو مه لایه تی، بابه تیکی ناساییه و خیراییی نیم گوژانه ده گه پیتیهوه بو هو کارگه لی همه چه شنی ناوه وه دهره وهی زمان. زمانی کوردی و زاری کرمانجی سهروو ویزای به رنگاریونه وه و سهرسه ختی خه لکی کورد له همه بهر گوژانه فرههنگی و زمانه وانیه کانه وه، هه وه ک زمانی فارسی نهیتوانی له بهرام بهری زمانی عه ره بیه وه خوی رابگریت و هه ره چهنیش هه ندیک دیر، به لام به هه ره حال له سو نگی و ام گیری له سو ناستی وشه یی، واجی ریزمانیه وه، بوو به وام گیری زمانی عه ره بی. نه ووژکه وشه ی عه ره بی به زوروز به بندی له کرمانجی سهرودا بهرچاو ده که وی که گه رچی هه ندیکی ناراسته وخو و له پری زمانی فارسییه وه یاخود هاوکات له گهل هاتنیان بو زمانی کوردی و فارسی، نیم وشانه له زمانی فارسیدا وه لئاون؛ به لام له نیو کرمانجاندا هیشتا به کارده گیردین. نیم وتاره ویزای هه ژمارتنی نمونه گه لیک له وشه ره گه ز عه ره بیه کانی نیو کرمانجی سهروو (ورمی) و شاره کانی باکووری نازربایجانی (پوژاوا)، دپه ریزته سه ره کارمانیه وه نیم تا قمه وشه له کرمانجی سهرودا به نسیه تی زمانی فارسی و دیکه ی زارواوه کانی زمانی کوردی. نیزیکی دوو زمانی عه ره بی و کرمانجی سهروو له باری دهر برگی پیت، پینه ندی سفت و سه ختی کوردان به ره گه زه فرههنگی، زمانی و دینی و هه ره ها گرنگی دانی تاییه تی کرمانجان به گوژانه وه ی زاره کی به ره هه می نه ده بی و داستانی کوردی، له هو کاره سه ره کییه کانی مانه وه ی وشه ی عه ره بی له کرمانجی سهرودا به.

**وشه گه لی سه ره کی:** کارتیکه ری زمانی عه ره بی، زمانی کوردی، کرمانجی سهروو، مانه وه، وشه ی بیگانه.

تغییر و تحول در زبان به عنوان یک پدیده اجتماعی، امری عادی و بدیهی است و سرعت این تغییر و تحول به عوامل متعدد درون زبانی و برون زبانی بستگی دارد. زبان کردی و گویش کرمانجی با وجود مقاومت و سرسختی مردمان کرد در برابر تغییرات فرهنگی و زبانی، همچون زبان فارسی توانست در مقابل زبان عربی مصون بماند و با اندکی تاخیر از طریق وام گیری در سه سطح واژگانی، واجی و دستوری، وام گیرنده زبان عربی شد. امروزه کلمات عربی فراوانی در گویش کرمانجی وجود دارند که با وجود انتقال بخشی از آن‌ها به طور غیرمستقیم و از مسیر زبان فارسی و یا هم زمان با ورود آن‌ها به زبان کردی و فارسی، این واژگان در زبان فارسی کنار گذاشته شده اند، اما در میان کرمانج‌ها کاربرد دارند. در این مقاله ضمن احصاء نمونه هایی از واژگان دخیل پر کاربرد عربی در گویش کرمانجی (ارومیه و شهرستان های شمال آذربایجان غربی)، به عوامل ماندگاری این واژگان در گویش کرمانجی نسبت به زبان فارسی و سایر گویش های کردی پرداخته شده است. قرابت دو زبان عربی و کردی کرمانجی از حیث مخارج حروف، پایبندی شدید افراد نسبت به عناصر فرهنگی، زبانی و دینی و اهتمام ویژه کرمانج‌ها به انتقال شفاهی آثار ادبی و داستانی کردی، از جمله عوامل ماندگاری واژگان دخیل عربی در گویش کرمانجی می باشد.

**واژگان کلیدی:** تاثیر زبان عربی، زبان کردی، گویش کرمانجی، مانایی، واژه های دخیل.

### ۱- مقدمه

گویش های زبانی بخشی از اجزای لاینفک زندگی و فرهنگ هر قوم را تشکیل می دهند به همین دلیل، توصیف و بررسی آن‌ها باعث آشنا شدن با فرهنگ هر قوم می شود؛ بررسی تغییرات صورت گرفته در این گویش ها و عوامل مختلف آن از جمله عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زبانی و تأثیر نوع ارتباط و تعامل بین گویش ها و زبان های مختلف می تواند ما را با جنبه های دیگری از زندگی مردم آن جوامع آشنا سازد.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

۲. کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

[h.esmailzade@gmail.com](mailto:h.esmailzade@gmail.com)

[g.tayyebzad@gmail.com](mailto:g.tayyebzad@gmail.com)

گویش کردی کرمانجی یکی از گویش‌های متعدد زبان کردی است که با توجه به گستره وسیع آن در جغرافیای کشورهای خاورمیانه و کثرت جمعیت گویش‌وران آن، از اهمیت ویژه‌ای در مقایسه با سایر گویش‌های زبان کردی برخوردار است اما این گویش در ایران نسبت به سایر کشورهای دارای جمعیت تاثیرگذار کردزبان، از جمعیت کمتری برخوردار است و همین امر در کنار سایر عواملی که به آن‌ها پرداخته خواهد شد، باعث شده است این گویش در کشور ما سهم ناچیزی از پژوهش و اقبال زبان‌پژوهان داخلی را به خود اختصاص دهد. از طرفی دیگر به دلیل کاربرد روزمره زبان توسط انسان‌ها، ممکن است این پدیده در مقایسه با سایر پدیده‌ها، کمتر مورد توجه پژوهشگران حوزه زبان قرار گیرد. پراکندگی این گویش‌وران در ایران محدود به شهرهای شمالی آذربایجان غربی از جمله ارومیه، سلماس، خوی و ماکو و همچنین استان‌های خراسان شمالی و رضوی می‌باشد. این گویش هم‌چون سایر گویش‌های زبان کردی و همچنین همانند زبان فارسی و سایر گویش‌های ایران‌زمین در برابر اقتدار واژگانی و ساختاری زبان عربی تاب نیاورده و تحت تاثیر این زبان قرار گرفته و علاوه بر وام‌گیری ساختاری، از لحاظ واژگانی نیز بسیاری از کلمات و اصطلاحات عربی را به مرور زمان پذیرفته است.

#### ۱-۱- پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

نویسندگان در این پژوهش با احصاء برخی واژگان دخیل عربی پرکاربرد در گویش کردی کرمانجی شهرستان ارومیه و شمال استان آذربایجان غربی و مقایسه معنایی آن در سه زبان کردی، عربی و فارسی، در پی آنند تا به شیوه توصیفی تحلیلی، پاسخ‌های مناسبی به پرسش‌های پیش‌رو ارائه دهند: نحوه انتقال واژگان دخیل عربی در گویش کردی کرمانجی، علت ماندگاری این واژگان در گویش کردی کرمانجی و میزان تاثیرگذاری عوامل فرهنگی، اجتماعی و دینی در مانایی این واژگان چگونه بوده است؟

انتقال واژگان دخیل عربی به گویش کردی کرمانجی به دو روش مستقیم و غیرمستقیم از مسیر زبان فارسی، علاقه شدید گویش‌وران گویش مذکور و مقاومت آنان در مقابل تغییر و تحولات در حوزه‌های فرهنگی، قرابت زبانی، ارتباط مستمر مستقیم و غیرمستقیم این گویش‌وران با کردهای مناطق عرب‌نشین و پایبندی شدید کردها به دین اسلام، از جمله فرضیه‌های متصور در برابر پرسش‌های مذکور هستند.

#### ۱-۲- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در مورد زبان کردی و تاثیر و تأثیر زبان‌های مجاور بر آن صورت گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها و نزدیک‌ترین‌شان به پژوهش حاضر عبارتند از: پژوهشی تحت عنوان «تأثیر عربی بر کردی: الگوهای سازگاری واج‌شناختی، صرفی و ریخت‌شناسی» به قلم ارگین اوپنگین استاد زبان‌شناسی دانشگاه کردستان (اربیل عراق) انجام گرفته که نویسنده در این اثر به صورت گسترده تاثیرات زبان عربی بر زبان کردی در سطوح مختلف وام‌گیری را با ذکر نمونه‌ها و جداول گوناگون، تحلیل و بررسی نموده است. مقاله‌ای دیگر تحت عنوان «داد و ستد واژگانی زبان کردی و عربی» که در سال ۱۳۹۵ توسط آرمان محمدی رایگانی و همکاران در کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات ارائه شد و طی آن به کاوش در واژگان کردی و محاورات گویش‌وران کرد به‌ویژه گویش کردی جنوبی پرداخته شده و

وام‌واژه‌های عربی را که به واسطه زبان فارسی وارد زبان کردی شده‌اند، معرفی نموده و معادل‌های کردی آن را بیان کرده‌اند. مسعود باوان‌پوری و همکاران در سال ۱۳۹۹ در مقاله‌ای با عنوان «بررسی معنا و فرآیندهای واجی واژگان عربی دخیل در زبان لکی» به بررسی معنا و فرآیندهای واجی واژگان عربی دخیل در زبان لکی به عنوان یکی از گویش‌های کردی پرداخته‌اند. پایان‌نامه‌ای در سال ۱۳۹۲ توسط جواد قنبری «بررسی و توصیف گویش کرمانجی روستای بیگلر (قوچان) و تأثیر زبان‌های مجاور بر آن» به رشته تحریر درآمده است که در آن مهمترین عوامل مؤثر بر تغییرات در گویش کرمانجی روستای بیگلر با دیگر گونه‌های کرمانجی را مطرح کرده‌اند. در رابطه با واژگان دخیل عربی در گویش کرمانجی و علل مانایی این واژگان در شمال استان آذربایجان غربی و شهرستان ارومیه پژوهش مدونی صورت نگرفته است.

### ۱-۳ - محدوده و روش پژوهش

پژوهش حاضر در راستای تبیین علل و عوامل ماندگاری واژگان دخیل عربی در گویش کردی کرمانجی، به صورت میدانی (در میان کرمانج‌زبان مناطق مورد مطالعه) و کتابخانه‌ای (مراجعه به آثار مکتوب کرمانجی) به گردآوری مهم‌ترین و رایج‌ترین این واژه‌ها از گویش‌وران مربوطه در شهرستان‌های ارومیه، سلماس، خوی و ماکو به عنوان گستره جغرافیایی کردی کرمانجی در ایران نموده است. کردهای کرمانج خراسان به دلیل شرایط متفاوت و اقتضائات محیطی خاص خود، در محدوده این پژوهش قرار نگرفته‌اند.

### ۲- کلیات پژوهش

#### ۱-۲- تأثیر و تأثر زبان‌ها

پویایی و تغییر و تحول از ویژگی‌های زندگی اجتماعی انسان است و زبان نیز که یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی به حساب می‌آید، از این قاعده مستثنی نبوده و زبانی را نمی‌توان یافت که در طول زمان، دستخوش تغییر و تحول نشده و تحت تأثیر این تغییر و تحول قرار نگرفته باشد؛ به طور مثال زبان انگلیسی که امروزه یکی از پرکاربردترین و فراگیرترین زبان‌ها در سطح جهان به حساب می‌آید، درصد قابل توجهی از کلمات و واژگان خود را از دیگر زبان‌ها وام گرفته است. البته تغییر زبان پایه‌پای دیگر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه دچار تغییر و تحول شده و فقط به عامل قرض‌گیری از دیگر زبان‌ها محدود نمی‌شود (قنبری، ۱۳۹۲: ۳۱).

بنا به اعتقاد سوسور<sup>۱</sup>، زبان واقعیتی اجتماعی است که به عنوان نهادی اجتماعی و نظامی وابسته به فرهنگ جامعه، از جمله دگرگونی‌های اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و نسبت به عوامل اجتماعی برون‌زبانی واکنش نشان می‌دهد (صفوی، ۱۳۸۰: ۱۱۳-۱۱۴). سریع‌ترین و ساده‌ترین تأثیری که یک زبان از زبانی دیگر می‌پذیرد، وام‌گیری واژگانی است. در واقع زمانی که وام‌گیری فرهنگی در کار باشد این امکان به وجود می‌آید که واژه‌ها و کلمات زبانی نیز وام‌گرفته شوند (سایپر، ۱۳۷۶: ۲۷۶). پیگیری پیشینه وام‌گیری زبانی به منزله دنبال کردن تاریخ یک ملت است؛ مثلاً در چه مکانی اسکان یافته‌اند، بر کدام اقوام چیره شده‌اند، کدام اقوام آن‌ها را مغلوب کرده‌اند، الگوهای تجاری، سابق

<sup>۱</sup> - Ferdinand De Saussure

فکری و مذهبی و رشد جامعه آنان چگونه بوده است (فالک، ۱۳۷۲: ۷۹-۱۰). در برخورد های زبانی به ویژه برخوردهایی که به دنبال تهاجمات نظامی حاصل می‌شود، که می‌توان گفت برخورد بین زبان عربی و دیگر زبان‌ها از جمله زبان کردی در ابتدای امر از این نوع بود، ممکن است حالت‌هایی مانند: حذف یکی از دو زبان و یا همزیستی دو زبان پیش آید و در هر یک از این حالت‌ها امکان وام‌گیری زبانی وجود دارد. عوامل گوناگونی مانند: برتری فرهنگی، وجود انگیزه‌های روانی، قومی و سیاسی در گویندگان هر یک از زبان، ازدواج‌های درون‌گروهی و برون‌گروهی و غیره در تعیین نتیجه نهایی این گونه برخوردهای زبانی نقش مهمی بازی می‌کنند (محمدی‌رایگانی و همکار، ۱۳۹۵: ۳). اما در برخورد زبان کردی با زبان عربی مسأله متفاوت بوده است؛ کردها با توجه به روحیه حماسی و مقاومت که نسبت به وطن، زبان و فرهنگ خود دارند، دیرتر از سایر اقوام ایرانی، دین اسلام را پذیرفتند و در هنگام پذیرش، این گونه به نظر می‌رسد که در بخش‌های مختلفی، این پذیرش با اختیار بوده است که بالطبع پذیرش تأثیرات زبان عربی نیز در زبان کردی، با این ملاحظات، منطقی‌تر به نظر می‌رسد؛ به این معنی که ورود بخشی از واژگان دخیل عربی، با توجه به نیاز زبانی بوده و در راستای تکامل زبان کردی صورت گرفته باشد.

## ۲-۲- عوامل وام‌گیری واژه‌ها

وام‌گیری یکی از پیامدهای ملموس برخورد میان دو زبان است. وام‌گیری واژه‌ها از زبان‌های دیگر، یکی از رایج‌ترین منابع تأمین واژگان جدید در زبان‌هاست (رضائی و همکار، ۱۳۸۹: ۳۸). بنا بر تعریف آرلوتو<sup>۲</sup>، وام‌گیری زبانی روندی است که طی آن یک زبان یا گویش، عناصری از زبان یا گویش دیگر را در خود می‌پذیرد. هارتمن<sup>۳</sup> و استورک<sup>۴</sup>، وام‌گیری زبانی را رواج عناصری از یک زبان یا گویش در زبان یا گویشی دیگر از طریق برخورد یا تقلید می‌دانند. به طور کلی می‌توان بیان کرد که وام‌گیری فرایندی است که عمدتاً، در نتیجه برخوردهای زبانی آغاز می‌شود و طی آن عناصر آوایی، واژگانی و حتی نحوی از یک زبان به زبان دیگر وارد می‌گردد و به دلیل عوامل مختلف، از سوی بیشتر افراد یک جامعه زبانی پذیرفته می‌شود. در اکثر موارد تجربه نشان داده است که جوامع زبانی به هنگام رویارویی با یکدیگر از شرایط مادی و معنوی یکسان برخوردار نیستند. به عبارت ساده‌تر، در هر جامعه‌ای، عناصر فرهنگی و مادی خاصی وجود دارد که در جامعه زبانی دیگر شناخته شده نیست یا اصلاً وجود ندارد حال چنانچه آن پدیده فرهنگی یا مادی از سوی افراد یک جامعه زبانی پذیرفته شود، برای نامیدن آن پدیده خاص واژه‌ای لازم است. در اغلب موارد، پذیرش یک پدیده دخیل به وام‌گیری واژه دال بر آن پدیده منجر می‌شود؛ زیرا یکی از مقرون به صرفه‌ترین راه‌هاست. به اعتقاد اینرایش<sup>۵</sup>، استفاده از واژه‌های دخیل در تمامی زبان‌ها حاکی از این حقیقت است که استفاده از واژه‌های حاضر و آماده، اقتصادی‌تر از نام‌گذاری مجدد است. (قلی‌پور و همکار، ۱۳۹۸: ۳).

<sup>2</sup> -Arlotto,A

<sup>3</sup> -Hartman,R

<sup>4</sup> -Stork,F

<sup>5</sup> -Weinreich

به‌طور کلی عوامل وام‌گیری واژگانی را می‌توان در دو گروه درون‌زبانی و برون‌زبانی طبقه‌بندی کرد؛ عوامل درون‌زبان از جمله: بسامد وقوع پایین معادل‌ها در زبان وام‌گیرنده، وجود هم‌آوایی واژگانی و مخدوش شدن اصل رسانگی و نیاز به واژه دخیل برای تغییر بار معنایی هستند و عوامل برون‌زبانی عواملی هستند که به ویژگی زبان وام‌گیرنده مربوط نیست، بلکه با شرایطی مرتبط است که در بیرون از نظام زبان وام‌گیرنده قرار دارند و در اصل به رابطه میان جوامع زبانی مربوط هستند مانند: نفوذ سیاسی - نظامی، نفوذ فرهنگی - اجتماعی و تابوی زبانی (همان، ۴۹-۴۶). عوامل برون‌زبانی ورود واژگان عربی به زبان کردی، بیشتر فرهنگی و دینی هستند که در کنار عوامل زبانی و بحث تکامل زبان، مسیر ورود این واژگان را به زبان کردی هموارتر نمود.

### ۲-۳-۱- انواع وام‌گیری

#### ۲-۳-۱-۱- وام‌گیری واژگانی

وام‌گیری در سطح واژگان، معمول‌ترین و رایج‌ترین نوع وام‌گیری زبانی است. همان‌گونه که بر ما روشن است، واژگان زبان به آسانی دچار تغییر می‌گردند و این تغییرات، نتیجه تحولاتی است که در یک جامعه زبانی پدید می‌آید. هنگامی که پدیده‌ای تازه از فرهنگی به فرهنگ دیگر معرفی می‌گردد، نام آن نیز از زبانی به زبان دیگر وارد می‌شود. این روند، یعنی ورود واژه‌ها و اصطلاحات یک زبان در واژگان زبان دیگر، وام‌گیری واژگانی نامیده می‌شود (مدرسی، ۱۳۸۷: ۶۴). واژه‌های بسیاری از زبان‌های دیگر وارد زبان فارسی شده است؛ مثل واژه‌های «اتوبان» (آلمانی)، «کارواش» (انگلیسی)، «اتابک» (ترکی)، «تلویزیون» (فرانسوی)، «استکان، سماور» (روسی) و غیره. از زبان فارسی نیز کلمات «جناح»، «ابریق»، «تنور» و ... در زبان عربی و آیات قرآنی به کار رفته‌اند.

#### ۲-۳-۱-۲- وام‌گیری واجی

روندی است که طی آن عناصر و الگوهای آوایی یک زبان به زبان دیگر وارد می‌شوند و در نتیجه در نظام آوایی زبان وام‌گیرنده تغییراتی ایجاد می‌کنند. واژه‌های دخیل معمولاً با قواعد آوایی و ویژگی‌های تلفظی زبان وام‌گیرنده انطباق می‌یابند و به این ترتیب، رنگ غیر بومی خود را از دست می‌دهند. البته در هر جامعه زبانی، گویندگان دو زبانه‌ای هستند که به سبب آشنایی با زبان وام‌دهنده، تحت تأثیر تلفظ اصلی واژه‌ها در آن زبان قرار دارند و از این نظر، به هنگام استفاده از این واژه‌ها در زبان بومی خود تلفظ اصلی واژه‌ها را حفظ می‌کنند. واژه «زه‌حف» تغییر یافته کلمه «ضعف» عربی به معنای فراوان و دو برابر است و همچنین کلمه «بیر» تغییر یافته کلمه «بئر» به معنای چاه است.

#### ۲-۳-۱-۳- وام‌گیری ساختاری (دستوری)

زبان‌شناسان وام‌گیری دستوری را غیرمعمول‌ترین نوع وام‌گیری‌های زبانی به شمار آورده‌اند. در این نوع وام‌گیری، عناصر یا الگوهای صرفی، نحوی، نقش‌های دستوری یا روابط دستوری یک زبان به زبان دیگر راه می‌یابند. «مثلاً در فارسی ترکیباتی مانند مکه معظمه، مدینه منوره یا عتبات عالیات وجود دارند که بر پایه الگوهای عربی ساخته شده‌اند. در زبان عربی صفت و موصوف از لحاظ جنس و عدد با هم مطابقت دارند در صورتی که در زبان فارسی این قاعده وجود ندارد. پس می‌توان گفت که این ترکیبات بر مبنای الگوی روابط دستوری عربی در فارسی به وجود آمده‌اند»

(همان: ۵۰-۵۴). از آنجایی که ساختار و قواعد دستوری یک زبان، قالب و قواعد دستوری زبانی دیگر را به سختی می‌پذیرد لذا این نوع وام‌گیری گویش کرمانجی از زبان عربی به نسبت به سایر انواع وام‌گیری از بسامد کمتری برخوردار است اما با توجه به ارتباط بلند مدت و به عبارتی دیگر همیشگی کردی کرمانجی با زبان عربی، در این نوع نیز شاهد وام‌گیری این گویش از زبان عربی هستیم.

### ۲-۴- مسیر وام‌گیری

#### ۲-۴-۱- وام‌گیری مستقیم

گذر واژه‌های دخیل از زبان وام‌دهنده به زبان وام‌گیرنده می‌تواند به دو صورت وام‌گیری مستقیم و وام‌گیری غیرمستقیم تحقق یابد؛ هنگامی که زبانی به شکل مستقیم و تحت برخورد دو جامعه زبانی، عناصری را به زبانی دیگر وام می‌دهد، وام‌گیری را مستقیم می‌نامند. مثلاً در سده‌های نخستین، که زبان عربی زبان ناتوانی بود، تعداد زیادی لغت از فارسی دری وارد عربی شد؛ برخی از آن لغات از جمله کهربا (الکتریسته)، خام، دستور (قانون اساسی) و ایوان هنوز هم در زبان عربی رایج هستند.

#### ۲-۴-۲- وام‌گیری غیرمستقیم

اما هنگامی که زبانی به شکل غیرمستقیم و از طریق زبان یا زبان‌های دیگر، عناصری را به زبانی وام دهد، وام‌گیری غیرمستقیم نامیده می‌شود. «واژه «شامپو» که در اصل هندی است، از طریق انگلیسی وارد فارسی شده است. واژه «mas» به معنی درخشنده از یونان وارد فارسی شده است و سپس از فارسی به عربی راه یافته و به شکل «الاماس» در آمده است. این واژه دوباره به فارسی انتقال یافته است و به معنی نوعی سنگ گران‌بها مورد استفاده قرار گرفته است. زبان عربی دوباره واژه «الماس» را وام گرفته و آن را به صورت «الماس» به کار برده است (رضائی و همکار، ۱۳۸۹: ۵۲-۵۳). وام‌گیری غیرمستقیم نتیجه مواجهه چند زبان با یک زبان جدید و تأثیرگذار است همانند زبان‌های ایرانی که در مقابل ورود زبان عربی به سرزمین خودشان قرار گرفتند.

### ۳- بحث اصلی

#### ۳-۱- گویش کردی کرمانجی و گستره فرهنگی و جغرافیایی آن

گویش‌ها شاخه‌هایی هستند که از یک زبان واحد منشعب شده‌اند ولی تفاوت‌های آوایی، واژگانی و نحوی باهم دارند. برای مثال زبان ایرانی پیشین که از زبان‌های هند و ایرانی که خود از شاخه‌های زبان هندواروپایی است، منشعب شده، در طول زمان به شاخه‌هایی مانند کردی، فارسی، بلوچی، گیلکی تقسیم شده است. هر یک از این شاخه‌ها را گویش می‌نامیم (کلباسی، ۱۳۸۱: ۲).

زبان کردی به چند گویش گوناگون تقسیم می‌شود؛ مستشرقان و زبان‌شناسان در تقسیم‌بندی گویش‌های کردی نظرات گوناگونی دارند و هر یک از آن‌ها با دیدگاه خاص خود گویش‌های زبان کردی را دسته‌بندی کرده‌اند (پرور، ۱۳۹۷: ۲۲). گویش کرمانجی از زیر مجموعه‌های گویش کردی، یک شاخه از زبان‌های ایرانی است که از زبان‌های هند و ایرانی مشتق می‌شود و جزء خانواده بزرگ زبان‌های هند و اروپایی است. تعدد گویش‌وران کرمانج و اقتضای زندگی قوم کرد (دامداری و کشاورزی) ایجاب کرده این گویش در طول سالیان کمتر مورد تغییر و تحول قرار بگیرد (یزدانی مقدم، ۱۳۹۵: ۷). ژویس بلو درباره تقسیم‌بندی گویش کردی می‌گوید:

«معمولاً زبان کردی را به سه شاخه اصلی تقسیم می‌کنند: گروه شمالی یا کرمانجی که از نظر تعداد سخنوران مهم‌ترین گروه هستند و کردهای ترکیه، سوریه، آذربایجان و ارمنستان به آن تکلم می‌کنند. همین‌طور زبان آن دسته از کردهای ایرانی که در شمال غربی و غرب دریاچه ارومیه زندگی می‌کنند؛ و نیز زبان‌های شمال غربی عراق (موصل، دهوک، زاخو و عمادیه) که آن‌ها را بادینانی می‌نامند) می‌باشد. گروه مرکزی که در شمال شرقی عراق بدان تکلم می‌شود، سورانی نامیده می‌شود؛ همچنین گویش‌های هم‌جوار با کردستان ایران مکری نامیده می‌شود که البته در برخی از مناطق استان کردستان ایران هم دیده می‌شود. گروه جنوبی متشکل از چند گویش نامتجانس می‌باشد که در جنوب کردستان ایران بدان تکلم می‌شود، مانند کرمانشاهی، سنجایی، کلهری، لکی، لری و ...» (بلو و همکار، ۱۳۱۷: ۱۵).

ولادیمیر مینورسکی<sup>۶</sup> خاورشناس سرشناس و مولف کتاب کرد و کردستان درباره کلمه کرمانج می‌گوید کلمه کرمانج با نادیده گرفتن پسوند «ج» از آخر آن، از دو کلمه «کر(د)» و «مان» که به «مادها» یا «مانایی‌ها» مربوط می‌شود، برمی‌گردد (۱۳۷۹: ۵۳). کرمانجی، سرشتی قدیمی‌تر را نسبت به دیگر گویش‌های زبان کردی حفظ کرده است به طوری که فهم زبان گویش‌وران کرمانجی، برای سایر گویش‌وران این زبان از جمله سورانی (مکریانی، بابانی، اردلانی) کمی مشکل است. کرمانجی با آنکه از لهجه‌های مختلفی تشکیل شده است ولی لهجه مرجع و معیار آن به لهجه جزیری در کردستان ترکیه شبیه است که از زمان‌های دور شاعران و نویسندگان بزرگ و سرشناسی هم‌چون احمد خانی، ملای جزیری، فقی طیران، جگرخون و علی حریری، آثار ارزشمندی را به این گویش خلق کرده‌اند.

### ۳-۲- رابطه زبان فارسی با زبان کردی

قبل از ورود اسلام به ایران، همه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی از جمله کردی تحت تاثیر قدرت و سیطره زبان فارسی، در حال اضمحلال و همگونی‌شدگی با زبان فارسی بودند که با ورود اسلام و زبان عربی، این روند متوقف شد و «زبان فارسی همانند سایر زبان‌های ایرانی از جمله کردی در مقابل یک چالش واحد قرار گرفتند و آن هژمونی فرهنگی و زبانی زبان عربی بود و این مسئله، زبان و فرهنگ کردی را در ایران ماندگار کرد» (علی، ۲۰۰۸: ۱۰۹).

زبان کردی با زبان فارسی هم‌خانواده است و در بسیاری از ویژگی‌های زبانی چه در سطح آوایی، ساخت واژی و چه در سطح دستوری و نحوی دارای ویژگی‌های مشترکی هستند. نکته قابل توجه در مورد کردی این است که اگر دقت کنیم زبان فارسی امروز به خصوص در سطح واژگان، بسیاری از واژگان اصلی خود را کنار گذاشته و از واژگان عربی استفاده می‌کند، این در حالی است که زبان کردی و به‌ویژه گویش کرمانجی بسیاری از واژگان اصیل خود را که با زبان فارسی مشترک است، حفظ نموده است. «زبان‌های کردی، فارسی، لری، ده‌ها زبان و گویش دیگر با همه تفاوت‌های ظاهری ریشه در زبان کهن ایرانی دارند؛ دو زبان کردی و پارسی با هم پیوند دارند، اما در بسیاری

<sup>6</sup> - Vladimir Minorsky

از نکات مهم لغوی، نحوی و فونولوژی با هم فرق دارند» (ادموندز، ۱۳۸۲: ۱۲). علاوه بر هم‌خانواده بودن دو زبان فارسی و کردی، هم‌جواری و اشتراکات عدیده فرهنگی و اجتماعی است که این زبان را این چنین در هم تنیده است که برخی از پژوهشگران را بر آن داشته تا یکی را زیرمجموعه دیگری قلمداد کنند. مینورسکی، کردپژوه نامدار روس در این زمینه می‌گوید: «زبان کردی، فارسی محور نیست بلکه زبان مستقلی است که ساختارهای آوانگاری و نحوی خاص خود را دارد و ارتباط کردی با فارسی همانند ارتباط زبان صربی با زبان روسی است (۱۳۷۹: ۱۵). اما فارغ از اصل زبان و قضاوت قطعی در این زمینه، آنچه مسلم است، تاثیر و تاثرات میان زبان‌های هم‌خانواده و همسایه است و زبان کردی به عنوان هم‌خانواده و همسایه زبان فارسی، قطعاً بده بستان‌هایی در ارتباط بین آن‌ها صورت گرفته است.

### ۳-۳ - انتقال ادبیات کردی به صورت شفاهی از جمله موسیقی

ادبیات شفاهی به دلیل تقدم پدیداری زبان بر خط، از نظر تاریخی مقدم بر ادبیات تالیفی است. هرچند ادبیات یک قوم، منشأ تمام تفکرات و ماهیت وجودی آن است و به عنوان یک آبشخور فرهنگی و فکری، می‌تواند بر موسیقی مؤثر باشد. اما در زبان و ادبیات کردی، مسأله اندکی متفاوت است؛ از آنجایی که شرایط انسجام بخشی به زبان و ادبیات کردی به دلیل عناصر تعیین‌کننده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی چندان مناسب و مساعد نبوده‌است، موسیقی در کنار هنر داستان‌سرایی و افسانه و ادبیات بومی-محلی (فولکلور) بخش قابل توجه این رسالت را به دوش کشیده است و کردها با توجه به زندگی سنتی و پایبندی به آیین‌ها و سنن، رغبت و توجه خاصی به موسیقی خود داشته و دارند. در این ارتباط متقابل، موسیقی به عنوان کانال انتقال گنجینه‌های فرهنگی، ادبی، زبانی و تمدنی قوم کرد، نقش بسزایی در این فرایند داشته است و با توجه به ماهیت این انتقال، کم‌ترین تغییرات در حوزه زبانی متوجه زبان کردی شده است مخصوصاً زندگی کردهای کرمانج که در شمال غرب ایران، متکی و مبتنی بر کوچ‌نشینی و دامداری و زندگی غیرثابت بوده است. در پروسه انتقال شفاهی و سینه به سینه زبان و ادبیات، کمترین تغییرات و دخل و تصرف‌ها صورت می‌گیرد. واژگان دخیل عربی، بعد از پذیرش دین اسلام و استقبال از دین و زبان آن توسط ایرانیان، به تدریج وارد زبان‌های ایرانی از جمله زبان کردی و گویش کرمانجی شدند؛ اکراد نیز به مرور زمان اقبال بیشتری به این دین و زبان نشان دادند و حجم گسترده‌ای از واژگان عربی در این اثنا وارد زبان فارسی، کردی و گویش کرمانجی شد. وجه تمایز این واژگان در زبان کردی، حراست و محافظت از آن‌ها به عنوان بخشی از زبان کردی توسط کردزبانان بود. در سایر موارد اجتماعی و فرهنگی که زبان نیز بخشی از آن است کردها همیشه موارد این چنینی را با تاخیر پذیرش کرده و بعد از پذیرش، به سختی تعویض یا تغییر می‌دهند. می‌توان این خصلت سرسختی و مقاومت قوم کرد در برابر پدیده‌های نوظهور فرهنگی و زبانی را به موقعیت جغرافیایی اکراد نسبت داد؛ کردها به عنوان یکی از اقوام اصیل ایرانی همیشه در مرز جغرافیایی و فرهنگی ایران ساکن بوده‌اند و در مقابل رومیان، اعراب و اتراک قرار گرفته‌اند و این تنش‌های بلند مدت موجب روحیه مقاومت، تعصب و تسلیم‌ناپذیری در میان آنان شده است.



## ۳-۴- عوامل تأثیرگذاری زبان عربی بر زبان کردی و گویش کرمانجی

عواملی که بر یک زبان تأثیر می‌گذارند و باعث می‌شوند یک زبان از جنبه‌های مختلفی دچار تغییر و تحول شود معمولاً از دو نوع درون‌زبانی یا برون‌زبانی هستند که ممکن است بر ساخت واجی یک زبان تأثیر بگذارند یا نظام معنایی یا دستوری یک زبان را تحت تأثیر قرار دهند. در بحث علل تغییر و تحول معنی واژه، دو علت داخلی و خارجی مطرح است. علت خارجی مواردی مانند تغییر و تحول در آداب و رسوم، دین، سیاست، ابزارهای زندگی و غیره است، که باعث تغییر معنایی یک واژه می‌شود مانند تغییر مصداق کلمه " یخچال " که در گذشته به گودال‌های آب گفته می‌شد که آن‌ها را پرآب می‌کردند تا در زمستان یخ بزند و در فصول گرم استفاده شود. اما امروزه مصداق معنی آن تغییر کرده است، یا علت درون‌زبانی مثل تغییر در معنای یک واژه به دلیل مشابهت آن با واژه دیگر و گرفتن معنای آن مانند " چشم " و " نرگس "؛ یا مجاورت، کم‌کوشی و قوانین ناظر بر تحولات آوایی و صرفی زبان باشد. بنابراین تحول در نظام واجی و دستوری هم همانند تحول واژگانی می‌تواند درون‌زبانی یا برون‌زبانی باشد (قنبری، ۱۳۹۲: ۳۳).

زبان کردی به علل مختلف از جمله اقبال مردمان کرد به دین اسلام و زبان عربی به عنوان زبان قرآن و زبان ارتباط با مسلمانان، داد و ستد بازرگانی و تجاری، هم‌جواری با مناطق عرب‌نشین، جنگ‌ها و منازعات و علل مختلف فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی تحت تأثیر زبان عربی قرار گرفته است و طی فرایندی طولانی مدت از زبان عربی واژگانی اخذ کرده و وام گرفته است. این وام‌گیری به دو شکل صورت گرفته است؛ در بخش اول خود زبان کردی و بدون واسطه، از زبان عربی واژگانی را قرض گرفته است. در بخش دوم زبان کردی به واسطه زبان فارسی که زبان رسمی کشور است از زبان عربی واژگانی وام گرفته است (محمدی رایگانی و همکار، ۱۳۹۵: ۲). تأثیر زبان عربی بر زبان کردی کرمانجی فقط به واژگان ختم نمی‌شود بلکه در شیوه تدریس و آموزش نیز از زبان عربی الگو برداری شده است؛ ملا محمود بایزیدی در نگارش دستور زبان کردی کرمانجی، از منابع عربی الهام گرفته و بر اساس ترتیب و شیوه قواعد زبان عربی، قواعد زبان کردی کرمانجی را شرح می‌دهد (عومر، ۱۳۹۷: ۱۷۳). در بخش‌هایی از کتاب بایزیدی، ساختارهای صرفی زبان عربی به زبان کردی نفوذ کرده است (بایزیدی، بیتا: ۳۲-۳۵). که این امر، نمایان‌گر تأثیر ژرف زبان عربی بر زبان کردی و ساختار و دستور آن دارد. البته لازم به ذکر است که زبان کردی همان‌طور که قبل از مواجهه با زبان عربی، در مقابل زبان فارسی به عنوان زبان غالب در ایران جغرافیایی و فرهنگی که زبان کردی در ذیل هر دوی آن‌ها قرار می‌گرفت، مقاومت نمود و حتی در مواردی بر زبان فارسی نیز تأثیر گذار بود، در مواجهه با زبان عربی نیز کم‌ترین تأثیرات را نسبت به زبان فارسی پذیرفت اما همان مقدار تأثیرپذیری که داشت و وام‌واژه‌هایی را که از زبان عربی گرفت، تا به امروز نگه داشته است.

## ۳-۵- قرابت زبان کردی با زبان عربی از حیث مخارج حروف

حروف حلقی حروفی هستند که از مخرج حلق ادا می‌شوند مانند: همزه، هاء، عین، حاء، غین، خاء، تلفظ دقیق سه حرف حاء، عین و غین، در زبان عربی با تلفظ آن‌ها در زبان فارسی متفاوت است و این از خصیصه‌های بارز زبان عربی است. در زبان کردی به طور عام و گویش کرمانجی به طور خاص، در صحبت‌های عادی و روزمره مردم، غالباً

این حروف به نحو دقیق تلفظ می‌شوند و این امر تعمدی نیست بلکه ساختار زبان کردی و این گویش، چنین اقتضا می‌کند. هر چند میزان کاربرد حروف حلقی در نواحی شمالی جغرافیای پراکندگی زبان کردی نسبت به نواحی مرکزی آن کم‌رنگ‌تر می‌شود (اوپنگین، ۲۰۱۹: ۴۶۵). حروف حلقی در کلماتی چون: «محممه‌د» (محمد)، «رح» (روح)، «عه‌لوک» (بو قلمون)، «عه‌ینه‌ک» (عینک) و... در گویش کرمانجی به مانند زبان عربی دقیقاً از منخرج مخصوص خودشان ادا می‌شوند. در گویش کرمانجی، کلمه تهران، همچنان مانند زبان عربی «طهران» تلفظ می‌شود. حرف (س) در کلماتی چون «صه‌ماوهر» (سماور)، «صار» (سرد)، «صاطل» (سطل)، «صه‌لیک» (سبد)، «صندان» (سندان) و... دقیقاً با ساختار حرف (ص) تلفظ می‌شوند. نکته حائز اهمیت در این مورد، سهل و روان تلفظ کردن حروفی مانند عین، غین، حاء، طاء، قاف، صاد، ضاد و... برای گویش‌وران مورد مطالعه است در حالی که در زبان فارسی و سایر زبان‌ها تلفظ این دست حروف مستلزم دقت و ممارست و مهارت است و غالباً با تکلف ادا می‌شوند و در مواردی تلفظ صحیح این حروف، نشان از تسلط فرد در زبان عربی تلقی می‌شود.

### ۳-۶- ارتباط مستمر کرمانج‌ها با اعراب

علت دیگری که می‌توان به تاثیر آن در مانایی واژگان دخیل عربی در گویش کرمانجی اشاره کرد، ارتباط مستمر گویش‌وران کرمانج در ایران با عرب‌زبانان، از طریق هم‌زبانان خود در کشورهای عراق و سوریه است. کردزبانان دو کشور عراق و سوریه در مرزهای جغرافیایی خود با اعراب هم‌سایه، هم‌وطن و حتی هم‌شهری هستند و پیوسته به صورت رسمی و غیررسمی در سیطره زبان و ادبیات عربی هستند. لذا کردهای کرمانج از طریق مرزهای شمال‌غربی ایران با عراق و شهرهای کرمانج‌نشین آن ارتباط دارند، شهرستان ارومیه از جنوب با بخش‌های شمال‌اریل که کرمانج‌زبان هستند و از آنجا با استان دهوک، شهرستان زاخو که به طور کامل کرمانج هستند و در ادامه با کردهای شمال سوریه در ارتباط هستند که از آن طریق همواره با اعراب و زبان عربی در ارتباط بوده‌اند. هرچند، بعد مسافت میان کردهای ارومیه و شمال آذربایجان غربی و کردهای کرمانج در عراق و سوریه، ارتباط مستقیم را دور از ذهن می‌کند اما این نوع ارتباط بی‌تاثیر نبوده است. ارتباط میان کردهای کرمانج ایران با عرب و زبان عربی، بیشتر به صورت غیرمستقیم و از طریق خویشاوندی با کردهای عراق و سوریه، موسیقی و هنر نقالی و... بوده است.

### ۳-۷- وام‌واژه‌های عربی در گویش کردی کرمانجی (انواع و سطوح وام‌گیری)

وام‌گیری کردی کرمانجی از زبان عربی در هر سه سطح وام‌گیری واژگانی، واجی و دستوری صورت گرفته است اما نوع این وام‌گیری‌ها بیشتر از نوع مستقیم و بدون واسطه می‌باشد که در این مجال سطح و نوع وام‌واژه‌های مورد مطالعه، واکاوی و تبیین می‌گردد:

۳-۷-۱- وام‌گیری مستقیم: کلمات متعددی از زبان عربی وارد گویش کردی کرمانجی شده‌اند که در زبان فارسی و سایر زبان‌های ایرانی وجود ندارند. کلماتی چون: «زه‌ند<sup>۱</sup>» (الزند: میچ دست)، «قلت» (القلت: حفره)، «ره‌فه‌ص» (رَفَص: لگد زدن)، «فه‌طسی» (فَطَس: خفه شد، خفه شدن از نوع خارج از آب). چون برای خفه شدن در داخل آب واژه (خه‌نقی) به کار می‌رود که این واژه نیزه همان واژه دخیل (خَنَق) است که از عربی وارد زبان کردی شده و در گویش کرمانجی ماندگار شده است. همچنین واژه‌های «بیر» (البئر: چاه)، «ه‌نه‌ک» (الحَنَك: فک، کام)، «ده‌لال<sup>۲</sup>» (الدلال: ناز و کرشمه، وقار)، «جه‌ر» (الجَر: کوزه)، «جره‌جر» (جَرَجَر: سر و صدا)، «دور»<sup>۱۰</sup> (الدور: نوبت)، «شَدَّ: محکم کرد»، «صر» (الصر: سرمای شدید)، «أوده» (الأوده: اتاق)، «حورمه‌ت» (الحُرْمَة<sup>۱</sup>: زن، همسر)، «مه‌ره»<sup>۱۲</sup> (المر: بیل) «قه‌ط»<sup>۱۳</sup> (قط: هرگز)، «که‌رب» (الکرب: ناراحتی)، «دیک»<sup>۱۴</sup> (الدیک: خروس)، «اسمه‌ر» (الأسمر: گندم‌گون و زیبا)، «کوم» (الکوم: جمع بودن)، «ه‌ه‌وش» (الحوش: حیاط)، «به‌حر» (بحر: دریا)، «طه‌یر» (الطیر: پرنده)، «مقه‌ص» (المَقَص: قیچی)، «خاله‌ت» (الخالَة: خاله)، از جمله کلمات دیگری هستند که بدون تغییر واجی به عنوان وام‌واژه، فقط در زبان کردی به کار می‌روند و در سایر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی و ادبیات مکتوب یا شفاهی و محاورات روزمره آنان، نشانی از آن‌ها دیده نمی‌شود. بنابراین نوع وام‌گیری در این وام‌واژه‌ها مستقیم از زبان عربی بوده است. البته اگر در سایر گویش‌های زبان کردی این کلمات کاربرد داشته باشند به دلیل منشأ واحد همه این گویش‌ها یعنی زبان کردی است. نکته حائز اهمیت این است که برخی از این واژگان دخیل عربی در گویش کرمانجی، در خود زبان عربی معاصر نیز کاربرد ندارد ولی همچنان در گویش کرمانجی به کار می‌روند. به طور مثال واژه «قلت» به معنای حفره و گودال که در عربی قدیم کاربرد داشته است ولی اکنون فقط در معاجم می‌توان آن را یافت: «القلت بإسكان اللام: النقرة في الجبل يستتبع فيها الماء؛ قلت العين: نقرتها» (جوهری، ۱۹۸۴، ج ۱: ۲۶۱). اما با وجود این، همچنان در گویش کردی کرمانجی در صحبت‌های روزمره مردم کاربرد دارد: «قلتکا چاوا»: حدقه چشم، «قلتا داره»: حفره دور نهال درخت که برای آبیاری آن استفاده می‌شود.

<sup>۲</sup> - نامنه خه‌ملی ژ ره نگی گولشه نی زه‌ند و بازن رشتنه ژ ره نگی خه‌نی (مه‌لایی با‌ته‌یی، ۱۳۸۵: ۲۷).

ترجمه: آمنه به رنگ گل‌های زیبا آراسته شد و میچ دستانش با انگوها و حنا زینت داده شد.

<sup>۲</sup> - ظالمی کوشتم شه پالی نازکی قه‌نجی ده‌لالی. (جزیری، ۱۳۸۱: ۱۵۹).

ترجمه: آن ظالم نازک اندام و بی نظیر و فریبا مرا به جرم محبت و نظاره‌گری به قتل رساند.

<sup>۳</sup> - مانند ضرب‌المثل: از دبی‌ژم آش، آشه منه او دبی‌ژه دورا منه! می‌گویم من صاحب آسیاب هستم ولی طرف می‌گه نوبت من است

<sup>۴</sup> - حُرْمَة الرَّجُل: همسر مرد، عیال (ترجمه المنجد: ۳۴۸)

<sup>۵</sup> - «فلانی هه مابه طو و مه‌رک: «فلانی فقط یک کلنگ و بیل براش مونده» این ضرب‌المثل برای کسی به کار می‌رود که از شدت کهولت سن یا بیماری و ضعف بدن به شدت زمین گیر شده باشد و تنها چیزی که به درد آن می‌خورد یک بیل و کلنگ است که قبرش را آماده کنند.

<sup>۶</sup> - زولفی سیاهی بی‌وه‌فا قه‌ط مه نه‌دی ژ وی صفا (جزیری، ۱۳۸۸: ۲۶۴) ترجمه: بانوی سیاه‌گیسوی بی‌وفا ما اصلا از او ندیدیم صفا.

<sup>۷</sup> - دیک و میشک بونه کووم به‌ری خوه دانه جه‌م بووم

(جگرخون، ۲۰۰۴: ۱۶۴)

ترجمه: خروس‌ها و مرغ‌ها جمع شدند و به نزد جغد رفتند.

واژه دخیل «خالهت»: (الخالَة: خاله) از زبان عربی به زبان فارسی و کردی راه یافته است. در زبان فارسی با تغییر واجی، حرف تای گرد تبدیل به هاء سکت شده است اما در گویش کرمانجی، تای گرد عربی بدون تغییر، تلفظ می‌شود. و واژه «خال» (الخال: دایی) این واژه برخلاف خاله در زبان فارسی کاربرد چندانی ندارد هر چند که کلمه خالو در برخی از گویش‌های فارسی همچون مازنی و گیلکی و گویش‌های جنوب ایران همچنان کاربرد دارد اما در گویش کرمانجی، برای برادر مادر، معادلی جز «خال» وجود ندارد. البته کلمه خال گاهی به قصد احترام به عنوان یک پیشوند برای اسامی خاص قرار می‌گیرد.

از میان واژگان ذکر شده در بخش وام‌گیری مستقیم، واژه‌های «بالطه» (البَلَطَة<sup>۱</sup>: تبر)، «بیر» (البئر: چاه)، «خزیم» (الخزامة<sup>۲</sup>: حلقه بینی)، «مشار» (المنشار: اره)، «جاش» (الجَاش: کُره خر)، «جینار» (الجیران: همسایگان)، با تغییرات واجی مواجه شده‌اند؛ واژه «جینار» در گویش سورانی به شکل «جیران» تلفظ می‌شود و بدون تغییر بیان می‌شود با این تفاوت که واژه «الجیران» در زبان عربی، جمع مکسر است و مفرد آن «الجار» است اما در همه گویش‌های کردی به عنوان یک کلمه مفرد به کار می‌رود. در گویش کرمانجی در ارومیه و ... با تغییر واجی مواجه شده و به شکل «جینار» به کار می‌رود.

واژه‌های «جه‌مدی» (جَمَدی: یخ بست، سرد شد)، «ره‌جفی» (رَجَفَ: لرزید)، «قه‌رصی» (قَرَصَ: یخ بست)، «ره‌شانند» (رَشَّ: پاشید)، «شداند» (محکم کرد) از جمله واژگانی هستند که با کم‌ترین تغییر واجی و مستقیماً از زبان عربی وارد گویش کرمانجی شده‌اند و با تغییرات ساختاری و دستوری مواجه شده‌اند و بیشتر قالب فعل در دستور زبان کرمانجی به خود گرفته‌اند. نکته حائز اهمیت در مورد اغلب این واژگان دخیل در گویش کرمانجی، عدم تغییر در گستره معنایی واژگان و دلالت‌های آن‌ها است؛ این واژگان در همان معانی که در زبان وام‌دهنده به کار گرفته می‌شدند، در زبان (گویش) وام‌گیرنده نیز همان معنا را حفظ کرده‌اند و البته در محاورات روزمره کرمانج‌ها در منطقه مورد مطالعه این پژوهش، برای معانی مربوطه، صرفاً از این واژگان استفاده می‌شود و مترادف یا مشابه آن‌ها جایگزین نمی‌شود.

در سطح دستوری وام‌گیری نیز می‌توان به عاریه گرفتن ساختار «بخاطرک» از زبان عربی اشاره کرد؛ در زبان عربی امروزی اصطلاح «بخاطرک» به معنی خدا نگهدار تو، به کار می‌رود: اسمی بشر یا عمّ بخاطرک (نصرالله، ۲۰۱۲: ۲۸). ترجمه: عمو! اسم من بشر است. خدا نگهدار. در گویش کرمانجی عبارت «خاتری ته» به معنی: خدا نگهدار، خدا حافظ به کار می‌رود. بن‌واژه «خاطر» عیناً از زبان عربی به عاریت گرفته شده و به ضمیر «ته» یعنی تو اضافه شده است و ساختار عربی را به طور کامل دریافت کرده است. در صحبت‌های روزمره در منطقه ارومیه و حومه این عبارت به کار برده می‌شود اما در سایر گویش‌های کردی در ایران از جمله سورانی، کلهری و اردلانی چنین اصطلاحی کاربرد ندارد.

۳-۷-۲- وام‌گیری واژگانی (غیرمستقیم): اما کلمات دیگری وجود دارند که از مسیر زبان فارسی به عنوان زبان رسمی ایرانیان در طول تاریخ مشترک اقوام ایرانی به زبان کردی و گویش کرمانجی راه یافته‌اند به عبارتی دیگر از مسیر وام‌گیری غیرمستقیم به زبان کردی راه یافته و همچنان توسط گویش‌وران کرمانج استفاده می‌شوند. مثلاً: «حه‌باندن» (دوست داشتن)، «مه‌ندیل» (المنديل: دستمال)، «خال» (الخال: دایی)، «خالهت» (الخالَة: خاله)، «فیستان» (لباس بلند زنانه)، در متون نظم و نثر قدیم فارسی به کار رفته‌اند اما امروزه در زبان فارسی یا کاربرد ندارند و یا محدود به بخش یا منطقه خاصی در ایران شده است.

۱- اصل این واژه از ترکی به عربی و از آنجا به کردی وارد شده است.

۲- خزامة: خزیم و خزائم، ج: حلقه موئین که در بینی شتر کنند و مهار را بر آن بندند (ترجمه المنجد: ۲۳۵)

واژه مندیل که در متون نثر و نظم قدیم فارسی آمده است:

طاس و مندیل و گل از التون بگیر تا به گرمابه رویم ای ناگزیر

(مولوی، مثنوی معنوی، دفتر سوم)

این واژه در لغت‌نامه دهخدا و در اشعار شاعران کلاسیک فارسی استفاده شده و به معانی دستار، لنگ حمام و به طور عام هر گونه دستمال دوخته نشده‌ای اطلاق شده است اما امروزه در زبان و متون فارسی اثری از آن دیده نمی‌شود اما همچنان در گویش کرمانجی کاربرد دارد. به اعتباری دیگر این واژه را از حیث ایتیمولوژی (ریشه‌شناسی) به زبان لاتین ارجاع می‌دهند (حسن‌دوست، ۱۳۹۳، ج ۴: ۲۶۴۶). که می‌توان صحت این قول را دلیلی بر ادعای ثبات و مقاومت گویش کرمانجی درباره مسائل فرهنگی و زبانی دانست که همچنان در ایران، این واژه را در گویش کرمانجی حفظ شده و به کار می‌برد. وام‌واژه «عەرد» (الارض: زمین) که در گویش کرمانجی به کار می‌رود در اصل همان کلمه «الارض» عربی است که با تغییر واجی به این شکل درآمده است. این کلمه در کردی سورانی با تغییر واجی کمتری نسبت کرمانجی مواجه شده است حرف (ض) بدون تغییر در کردی سورانی تکرار می‌شود (عەرض). البته تفاوت در تلفظ حرف ضاد در عربی و کردی همچنان وجود دارد.

«حه‌باندن»: دوست داشتن: این واژه از فعل عربی «حَبَّ» به معنای دوست داشتن است که با تغییر واجی کاهش مواجه شده و بدون تشدید همچنان در گویش کرمانجی کاربرد دارد. البته به قولی دیگر این واژه در اصل از کلمه فارسی «حَبَّ» بوده و به معنای دوست داشتن است و با کلمات «hob» انگلیسی به معنای دوست داشتن، از یک ریشه است (نورمند، ۱۳۹۷: <http://eshterakatezaban.blogfa.com/post/7>).

#### ۴- نتایج تحقیق

۱- قرابت بین دستگاه تلفظ اصوات و مخارج حروف در زبان عربی و گویش کردی کرمانجی یکی از عوامل سازش کردزبانان و از جمله کردهای کرمانج با زبان عربی و واژگان دخیل آن است؛ بسامد بالای حروف حلقی در کلمات دخیل و اصیل کردی کرمانجی از جمله: «عەینه‌ک»، «عەرد»، «حه‌لیا»، «حورمه‌ت» و ... دلیلی بر این مدعاست. از این‌رو از میان واژگانی که به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفتند، بخش عمده آن‌ها بدون تغییرات واجی و یا تغییرات حداقلی به گویش کرمانجی راه یافته‌اند و از میان سطوح سه‌گانه وام‌گیری، سطح وام‌گیری واژگانی پررنگ‌تر به نظر می‌رسد.

۲- عوامل فرهنگی و جامعه‌شناختی مردمان کرد به طور عام و کردهای کرمانج به طور خاص تأثیر بسزایی در مانایی واژگان دخیل عربی در کردی کرمانجی داشته است. کردها در مناطق حاشیه شمال غرب ایران به علت جغرافیای خاص و صعب‌العبور بودن و تعصب بر میهن در مقابل اعراب به مبارزه پرداختند و دیرتر با زبان عربی تعامل و ارتباط برقرار کردند اما به رغم این مقاومت ابتدایی، بعد از پذیرش دین اسلام و هیمنه زبان عربی، خود از مروجان آن شدند و بر اساس همین تعصب و سرسختی که داشتند، به نسبت به سایر قومیت‌های ایرانی، از جمله فارس‌ها، آذری‌ها و حتی کردهای سوران کمترین تغییرات را در واژه‌های دخیل عربی اعمال کردند. با وجود این که در منطقه مورد مطالعه این پژوهش آذری‌ها و کردهای کرمانج با هم زندگی می‌کنند اما این ماندگاری واژگان در میان آذری‌ها ملاحظه نمی‌شود..

۳- ارتباط مستمر میان اکراد ایران و کردهای ساکن در سرزمین اعراب و از طریق مراودات تجاری، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی (ازدواج‌های فامیلی و غیرفامیلی) با هم‌زبانان خود در کشورهای عراق و سوریه که زبان رسمی‌شان عربی است، باعث شده کلمات دخیل عربی در کردی کرمانجی به حالت عادی درآمده و جزئی از ساختار گویش کرمانجی تلقی شوند به طوری که اغلب گویش‌وران کرمانج حتی طبقه تحصیل‌کرده و فرهیخته آنان از عربی بودن این واژگان مطلع نیستند.

۴- انتقال شفاهی و سینه به سینه عناصر زبانی و ادبی در میان اکراد از جمله موسیقی و داستان‌سرایی و افسانه‌ها، با توجه به علاقه دیرینه اکراد به موسیقی و داستان‌سرایی تاثیر زیادی در این ثبات و ماندگاری واژگان دخیل عربی داشته است. به طوری که آثار مکتوب کردی کرمانجی در ایران و بالاخص در مناطق مورد مطالعه، نسبت به سایر قوم‌های ایرانی و حتی کردهای سوران بسیار اندک است و در سال‌های اخیر اندکی رشد داشته است.

۵- پایبندی به مبانی دینی و اعتقادات و باورهای دینی و به تبع آن زبان عربی و واژه‌های عاریتی آن به عنوان زبان دین و قرآن علت دیگری است که در کنار سایر عوامل ذکر شده، باعث مانایی این واژگان در گویش کردی کرمانجی شده است.

## منابع

## فارسی:

- ادموندز، سیسیل. (۱۳۸۲). *کردها، ترکها، عربها*. ترجمه ابراهیم یونسی، چاپ دوم، تهران: روزبهان.
- بلخی، مولانا جلال الدین محمد. (۱۳۸۵). *مثنوی معنوی*. به اهتمام کریم زمانی ج ۲، تهران: انتشارات قطره.
- بلو، ژویس؛ باراک، ویسی. (۱۳۸۷). *دستور زبان کردی کرمانجی*. ترجمه علی بلخکانلو، (ترجمه چاپ نشده).
- پرور، عبدالعزیز عمر. (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی اسم و ضمیر در زبان فارسی و کردی کرمانجی (گوش بادینی)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ایلام: دانشگاه ایلام.
- جزیری، احمد. (۱۳۹۲). *دیوان ملای جزیری*. ترجمه شفیع صادقی، ارومیه: حسینی اصل.
- الجوهری، ابونصر. (۱۹۸۴). *الصحاح تاج اللغة العربیة*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- رضائی، رمضان؛ علی اکبری، پریناز. (۱۳۸۹). *درآمدی بر واژه‌های دخیل در قرآن*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- سایپر، ادوارد. (۱۳۷۶). *زبان، درآمدی بر سخن گفتن*. ترجمه علی محمد حق شناس، چ ۱، تهران: سروش.
- شریف رضی، محمد. (۱۴۱۵). *دیوان الشریف الرضی*. بیروت: دارالجیل.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۰). *گفتارهایی در زیانشناسی*. چاپ اول، تهران: هرمس.
- فالک، جولیا اس. (۱۳۷۲). *بررسی مفاهیم بنیادی زبان شناسی*. ترجمه خسرو غلامعلی زاده، چاپ دوم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- قلی پور، لیلیا؛ موسوی، سید محمد. (۱۳۹۸). «بررسی تاثیر فرایندهای واجی بر وام واژه‌های انگلیسی در فارسی: بر اساس ترجمه‌ی رمان بادبادک‌باز اثر خالد حسینی». *رخسار زبان (نقد زبانی و ادبی)*. سال سوم، شماره یازدهم، زمستان ۱۳۹۸.
- قنبری، جواد. (۱۳۹۲). «بررسی و توصیف گویش کرمانجی روستای بیگلر (قوچان) و تأثیر زبان‌های مجاور بر آن». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی.
- کلباسی، ایران. (۱۳۸۸). *فرهنگ توصیفی گونه‌های زبان ایرانی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمدی رایگانی، آرمان؛ خزلی، مسلم. (۱۳۹۵). «*دادوستد واژگانی زبان کردی و زبان عربی*». کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات، مشهد: دانشگاه تربت حیدریه.
- مدرسی، یحیی. (۱۳۸۷). *درآمدی بر جامعه شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- معلوف، لوییس. (۱۳۷۷). *فرهنگ بزرگ جامع نوین*. ترجمه احمد سیاح، تهران: انتشارات اسلام.
- مینورسکی، ولادیمیر. (۱۳۷۹). *کرد*. ترجمه حبیب‌الله تابانی، تهران: گستره.

- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۶۶). *زبان‌شناسی و زبان فارسی*. چاپ دوم، تهران: توس.
- نصرالله، ابراهیم. (۲۰۱۲). *قنادیل ملک الجلیل*. بیروت: مطابع الدارالعربیة للعلوم.
- همتی، ابوزر. (۱۳۷۵). «ریشه‌یابی واژه برد در زبان‌های کردی و لری». *مجله چیستان*، شماره ۱۳۴ و ۱۳۵، صص ۳۸۱ - ۳۸۷.
- یزدانی مقدم بیگلر، علی اصغر. (۱۳۹۵). «مقایسه‌ی ساختمان گویش کردی کرمانجی با زبان‌های ایرانی دوره میانه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، سبزوار: دانشگاه حکیم سبزواری.
- نورمند، اردشیر. (۱۳۹۷). «گمانه‌ای بر ریشه‌یابی واژگان فارسی». <http://eshterakatezaban.blogfa.com/post/7>.

#### کردی:

- باته‌یی، محمدهد. (۱۳۸۵). *مه‌لوود/ پیغه‌مبهر (د.خ)*. ارومیه: انتشارات حسینی اصل.
- بایه‌زیدی، مه‌لا مه‌حمود (بی‌تا). *توحفه‌تولخولان فی زمانج کوردان*. کۆلکسیونی ئارشیمی ئه‌لیکساندر ژابا.
- زاخۆیی، هه‌وآل. (۲۰۰۴). *جگه‌رخوین، شاعر، سرۆف، کوردپه‌روور*. دهۆک: سپیریژ.
- شهره‌فکه‌ندی، عه‌بدوپه‌حمان. (۱۳۸۱). *هه‌نبانه‌ بۆرینه، فرهنگ کردی-فارسی*. تهران: سروش.
- عه‌لی، ئه‌بووبه‌کر. (۲۰۰۸). *ئیسلام و ناسیۆنالیسیم*. هه‌ولێر. اربیل.
- عومه‌ر ئه‌حمدهد، هێمن. (۱۳۹۷). «تویژینه‌وه‌یه‌کی شیکارانه‌ی ده‌ستخه‌تی توحفه‌توالخولان فی زمانج کوردان به‌ره‌مه‌می مه‌لا مه‌حمود بایه‌زیدی». *پژوهشنامه ادبیات کردی*، دوره چهارم، شماره ۶، صص ۱۶۷-۱۸۵.

#### English:

- Öpengin, Ergin. (2019). Arabic influence on Kurdish: patterns of phonological and morphological accommodation. In Christopher Lucas and Stefano Manfredi (eds.) *Arabic and Contact-induced Change: A Handbook*. (Series: Studies in Diversity Linguistics) Language Science Press.